

بررسی تأثیر توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
مجتبی ملکشاهی^۱ - گارینه کشیشیان سیرکی^۲ - عبدالرحمن حسنی فر^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده:

«توسعه سیاسی» را افزایش ظرفیت و کارآیی نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی دانسته‌اند. در سال‌های اخیر ایده «حکمرانی خوب» برای تبیین رابطه جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی ارائه شده است که هدف آن افزایش اثربخشی و کارآمدی نظام سیاسی است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در پایان چهل سالگی انقلاب اسلامی، سند راهبردی «بیانیه گام دوم» را در جهت اعتلای کشور و رفع دغدغه‌های ملت از طریق افزایش اثربخشی و کارآیی نظام سیاسی در پیوند با آحاد جامعه صادر نمودند که به عنوان اسناد بالادستی پیوند عمیقی با ایده‌های توسعه سیاسی و حکمرانی خوب دارد. هدف مقاله حاضر، بررسی تأثیر توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب است. در این رابطه چنین فرض می‌شود که «هر اندازه شاخص‌های توسعه سیاسی در کشور افزایش یابند به همان میزان اهداف حکمرانی خوب در جامعه تحقق می‌یابند». روش پژوهش آمیخته، تکنیک مورد استفاده پیمایشی و مطالعات اسنادی است. نتایج پژوهش فرضیه‌ها را تأیید نمودند.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، حکمرانی خوب، بیانیه گام دوم انقلاب، کارآیی و اثربخشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2011-1644

۱- دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی (مسائل ایران)، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
g.keshishyan71@gmail.com

۳- عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

مقدمه و طرح مسأله

مفهوم توسعه سیاسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در حوزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی، مدیریت و... است که طی چند دهه اخیر محور مباحث گسترده‌ای بوده است. تعیین میزان و نوع توسعه سیاسی، قابلیت تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیمی در تعیین نوع حکومت، سیستم سیاسی کشورها و همچنین چگونگی تعامل دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی عصاره وجودی این مفهوم است. بدین معنا که افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه به عنوان مشخصه‌های توسعه سیاسی، از یک سو توانایی شگرفی بر تمام ساختارهای اجتماعی داشته و از دیگر سو، بقاء و دوام کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. واضح است که این تعامل میان سه حوزه ذکر شده، منجر به ارائه الگوهایی از نحوه اداره کشور شود که طی آن شرایط حکمرانی را معرفی و ارائه نمایند. یکی از مهمترین این الگوهای نظری که طی دو دهه اخیر معرفی شده است، نظریه «حکمرانی خوب» است. حکمرانی خوب مفهومی است که بر اساس آن میزان کارآمدی و اثربخشی نظام سیاسی را در جهت تأمین و تضمین منافع آحاد اجتماع مورد سنجش قرار می‌دهد. به گونه‌ای که اگر حاکمیت در انجام این وظایف با نقصان و یا بدکارکردی مواجه گردد «حکمرانی بد»^۱ تلقی شده و برعکس این قضیه چنانچه نظام سیاسی به خوبی بتواند نفع همگانی را محقق سازد، آن را «حکمرانی خوب»^۲ می‌دانند.

علیرغم سابقه اندک الگوی حکمرانی خوب، اندیشمندان معیارها و شاخصه‌های گوناگونی برای این مفهوم معرفی کرده‌اند که غالب آنها قرابت و نزدیکی بسیاری با هم دارند. در این میان بانک جهانی شش شاخصه «حق اظهار نظر و پاسخگویی»، «ثبات سیاسی و عدم خشونت»، «کارایی و اثربخشی دولت»، «حاکمیت قانون»، «کیفیت قوانین و مقررات» و «کنترل فساد» را به عنوان معیارهای تحقق حکمرانی خوب در کشورهای جهان معرفی نموده است که حاکمیت هر کشور برای نیل به اهداف عالیه خود که همان تحقق نفع همگانی است، بایستی برای اعتلای این معیارها کوشش نماید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان سکان‌دار هدایت کشور در پایان چهل سالگی و یا به عبارتی شروع «چله دوم انقلاب» سندی راهبردی را تحت عنوان «بیانیه گام دوم» ارائه نمودند که در حقیقت نقشه راهی برای تحقق شرایط حکمرانی و به‌ویژه حکمرانی مطلوب در کشور ایران است. با

^۱ -Bad governance

^۲ -Good governance

تأکید بر این امر، بررسی اهداف بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان سند راهبردی مقام معظم رهبری، بسیار حائز اهمیت بوده و از سوی دیگر، نوع و نحوه تأثیر توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب مسأله‌ای است که ذهن نویسندگان این نوشتار را درگیر نموده. بنابراین در پژوهش حاضر تلاش داریم ضمن بررسی ابعاد و زوایای بیانیه گام دوم، نحوه تأثیرگذاری توسعه سیاسی را بر حکمرانی خوب مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم. بر این اساس سؤال اصلی چنین طرح می‌شود که «توسعه سیاسی چه تأثیری بر حکمرانی خوب دارد؟» پاسخ احتمالی نیز اینگونه است که: «توسعه سیاسی تأثیر مستقیمی و معناداری بر حکمرانی خوب دارد»؛ به عبارت دیگر، «هر اندازه شاخص‌های توسعه سیاسی در کشور افزایش یابند به همان میزان اهداف حکمرانی خوب در جامعه تحقق می‌یابند».

تعریف مفاهیم

- توسعه سیاسی:

توسعه سیاسی^۱ را افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه تعریف کرده‌اند. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است. هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌پذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی در آن نظام افزایش می‌یابد. نوسازی سیاسی عبارتی است که گاهی به جای توسعه سیاسی به کار گرفته می‌شود در حالی که نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجملات سیاسی اشاره دارد، توسعه سیاسی غالباً جنبه رفتاری و بنیادی دارد. به بیان دیگر، نوسازی سیاسی جنبه‌های روبنایی توسعه را شامل می‌شود و توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط مرتبط است. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ۴۴۵)

امین‌زاده (۱۳۷۶) در تعریف توسعه سیاسی چنین آورده است که: «توسعه» بازگردان فارسی واژه Development بوده و از فعل Develop مشتق می‌شود. معنای این واژه در فرهنگ لغت به صورت رشد تدریجی به اشکال مختلف و تدریجاً کامل تر شدن، بزرگتر شدن، بهتر شدن و غیره، بیان شده است. De-velop در مقابل En-velop به مفهوم پوشش و لفاف و به معنای خارج شدن از لفاف و پوشش است که به تعبیر دیدگاه نوسازی، لفاف جامعه سنتی، فرهنگ و ارزش‌های آن است. اصطلاح توسعه بیان‌کننده آن است که چیزهایی تغییر می‌کند. بدین مفهوم «توسعه

^۱- Political Development

سیاسی» نیز بیان‌کننده تغییر در پدیده سیاسی است. اما چگونگی تغییر، جهت‌گیری تغییر، ابعاد تغییر، موضوع تغییر، مسائلی است که مباحث پیچیده توسعه سیاسی و چالش‌های پیرامون آن را شکل داده است.

«لوسین پای»^۱ نیز یازده تعریف را به‌عنوان تعریف توسعه سیاسی مطرح و نقد می‌کند که عبارتند از: ۱- توسعه سیاسی به مفهوم مقتضیات سیاسی و پیش‌نیاز سیاسی توسعه اقتصادی؛ ۲- توسعه سیاسی به مفهوم افزایش کارایی اداری و ظرفیت دولت برای اجرای سیاست‌های عمده (دولت‌سازی)؛ ۳- توسعه سیاسی به مفهوم تبعیت جامعه از الگوی رفتاری مدرن و جانشین شدن صلاحیت‌های اکتسابی به جای ملاحظات انتسابی و جانشین شدن کارکردهای ویژه به جای کارکردهای پراکنده (نوسازی سیاسی)؛ ۴- توسعه سیاسی به مفهوم توسعه کارایی سیستم و ظرفیت ساختار اداری دولت و حکومت و ظرفیت و توان تحمل سیستم در برابر چالش‌ها؛ ۵- توسعه سیاسی به مفهوم خلق یک دولت - ملت پایدار و توانا در جهان نو (دولت - ملت‌سازی)؛ ۶- توسعه سیاسی به معنی توسعه دموکراسی، افزایش آزادی، حاکمیت مردم و نهادهای آزاد (دموکراسی - سازی)؛ ۷- توسعه سیاسی به مفهوم بسیج عمومی و مشارکت مردم؛ ۸- توسعه سیاسی به معنای پایداری و تغییر سامان‌یافته جامعه؛ ۹- توسعه سیاسی به مفهوم بسیج و قدرت. این تعریف بیان‌کننده قدرت بالقوه دولت در به حداکثر رساندن بسیج منابع است؛ ۱۰- توسعه سیاسی به عنوان جنبه‌ای از پدیده چند بُعدی تغییر اجتماعی؛ ۱۱- توسعه سیاسی به عنوان نوعی احساس وابستگی ملی در امور بین‌المللی. لوسین پای تمامی این تعاریف را به نقد می‌کشد و تعریف خود را از توسعه سیاسی به عنوان یک پدیده سه‌وجهی با مشخصات ذیل ارائه می‌کند: ۱- برابری و مشارکت سیاسی؛ ۲- ظرفیت سیستم سیاسی برای ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اقتصاد؛ ۳- متمایز کردن و تخصصی کردن ساختارهای اداری و کارکرد آنها. (امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۷-۱۰۶)

- حکمرانی خوب

علیرغم ریشه تاریخی واژه حکمرانی^۲، که قدمتی به درازای عمر بشریت دارد، اصطلاح «حکمرانی خوب» به عنوان پارادایمی نوین در علوم انسانی، حد واصل و نقطه تلاقی حوزه‌های سیاست، اقتصاد، علوم اجتماعی، مدیریت، حقوق و... است. این اصطلاح را برای نخستین‌بار «ویلیام سون»^۳ ۱۹۷۹ در ادبیات اقتصادی به کار برد و پس از آن به تدریج در میان اندیشمندان

۱- Lucian Pye

۲- governance

۳- William son

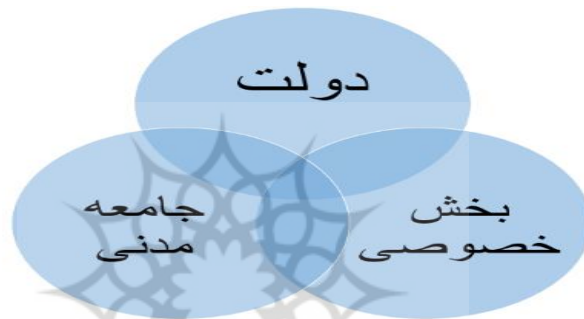
حوزه‌های مختلف و مخصوصاً در حوزه علوم سیاسی مصطلح گردید. این واژه نیز به‌مثابه سایر اصطلاحات در علوم انسانی دارای تعریف واحدی نبوده و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است؛ ولیکن روح حاکم بر همه این تعاریف تا حدودی مشابه و یکسان است و علت تفاوت‌ها نیز عمدتاً ناشی از توجه به ابعاد خاصی از آن است. مثلاً در یک تعریف آمده: «حکمرانی یعنی اداره کردن قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکمرانی اشاره به آن معیارهایی دارد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل‌وفصل تعارضات در چارچوب آن قواعد است» (Graham, 2003: 57) و یا عده‌ای همچون تیسدل ۱۹۹۸، ویس ۲۰۰۰، تیلور ۲۰۰۰، جیمز گاستو اسپت ۲۰۰۱ و نیز برخی نهادها مانند بانک جهانی آن را با ویژگی‌هایی نظیر حاکمیت قانون، پاسخگویی و کارآیی و غیره تلقی کرده و برخی نیز آن را با عناصرش از جمله در نظر گرفتن تنوع میان افراد، سازمان‌ها و نهادها، پویایی محیط‌ها، فرآیندها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادها و عقلانی‌کردن نقش دولت و... تعریف می‌کنند. (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۳)

حکمرانی بر اساس تعریف «برنامه توسعه ملل متحد»^۱ اعمال اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری به منظور اداره امور کشور در تمام سطوح است. این اعمال حاکمیت شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن نهادها، شهروندان و گروه‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند. (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷: ۹) از نظر بانک جهانی، حکمرانی روشی برای اعمال قدرت به منظور مدیریت اقتصاد و منابع اجتماعی کشور برای توسعه است. از نظر کافمن، حکمرانی عبارتست از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه. (Kaufman, 2003: 5) انستیتو حکمرانی اوتاوا نیز حکمرانی را ترکیبی از سنت‌ها، نهادها و فرآیندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌گردد. (Weiss, 2000: 815)

هنگام کاربرد واژه حکمرانی می‌بایست دو نکته را همواره مد نظر داشت: نخست اینکه، حکمرانی به معنای حکومت نیست. بلکه حکمرانی به عنوان یک مفهوم، مشخص می‌سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی برخوردار است و نهادهای حکومت وجود دارد. یعنی سه گروه اصلی بازیگران؛ حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی را شامل می‌شود. دوم اینکه، حکمرانی بر «فرآیند» تأکید دارد و مشخص می‌سازد که تصمیمات با توجه به روابط پیچیده

^۱-United Nations Development programmed (UNDP)

بین تعدادی از بازیگران با اولویت‌ها و سلايق رقيب و متضاد برقرار می‌کند و این اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است. (هراتی و آزمی، ۱۳۹۶: ۲۱۹) وانگهی در حکمرانی خوب نحوه حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت مورد تأکید است؛ به عبارت بهتر، در الگوی حکمرانی خوب تأکید بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگی آن است. همچنین در حکمرانی خوب شراکت و تعامل بین سه رکن اصلی یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است. این شراکت سبب می‌شود تا امور عمومی و مسائل همگانی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری اداره شود. ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یادشده، زمینه تحقق حکمرانی خوب را در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد. صندوق توسعه ملل متحد این تعامل را به صورت نمودار زیر تبیین می‌نماید:



الگوی (۱): نحوه تعامل سه حوزه حکمرانی: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی UNDP

با توجه به تعاریفی که از حکمرانی خوب شد، مشخص است که این نوع از حکومت‌داری، دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های خاصی است. بانک جهانی به منظور اندازه‌گیری وضعیت حکمرانی در کشورهای جهان، شش شاخص ذیل را برای سنجش حکمرانی به کار گرفته است: حق اظهارنظر و پاسخگویی^۱، ثبات سیاسی و عدم خشونت^۲، کارآیی و اثربخشی دولت^۳، حاکمیت قانون^۴، کیفیت قوانین و مقررات^۵ و کنترل فساد^۶. به طور کلی شاخص‌های حکمرانی خوب به شکل الگوی زیر ارائه شده است:

1-Voice and accountability

2-Political stability and absence of violence

3-Government Effectiveness

4-Rule of law

5-Quality Rules and Regulation

6-Control of corruption

کار آیی و اثربخشی دولت «کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال خود را از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست، و به اعتبار تعهد دولت به چنین خطمشی‌هایی.» ۳	ثبات سیاسی و عدم خشونت «درک از اینکه احتمالاً دولت بوسیله ابزارهایی خشن و خلاف قانون اساسی (از جمله خشونت‌های داخلی و تروریسم) بی‌ثبات شده و یا سرنگون می‌شود.» ۱	حق اظهار نظر و پاسخگویی «تا چه میزان شهروندان یک کشور قادر به مشارکت در انتخاب دولت و همچنین آزادی بیان، آزادی انجمن‌ها هستند و برخوردار از رسانه‌های آزاد هستند.» ۱
کنترل فساد «تا چه میزان قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی، از جمله در اشکال کوچک و بزرگ و همچنین تسخیر دولت توسط بخش خصوصی و نخبگان وجود دارد.» ۴	کیفیت قوانین و مقررات «توانایی دولت در تدوین، فرموله کردن و پیاده‌سازی خطمشی‌ها و مقررات که به بخش خصوصی اجازه توسعه و ترویج می‌دهد.» ۵	حاکمیت قانون «تا چه حد اطمینان از رعایت قوانین جامعه و به‌خصوص کیفیت اجرای آن در خطمشی‌ها و دادگاه‌ها وجود دارد و همچنین چه میزان احتمال جرم، جنایت و خشونت وجود دارد.» ۶

الگوی (۲): شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس تعاریف بانک جهانی

بیانیه گام دوم

الف) مفهوم‌شناسی بیانیه گام دوم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در پایان چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی و به مناسبت شروع چله دوم انقلاب، بیانیه‌ای در حوزه‌های گوناگون خطاب به مردم شریف ایران اسلامی و به‌ویژه جوانان ابلاغ کردند. گرچه این بیانیه به گام دوم انقلاب مشهور شده است، اما از مرحله سوم یعنی «تمدن سازی» آغاز می‌شود. ایشان مراحل ساخت تمدن اسلامی را پنج مرحله دانسته‌اند که عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی. به عبارت دیگر، از منظر معظم‌له مسیر پیشرفت انقلاب اسلامی با طی مراحل «انقلاب»، «نظام-سازی»، «دولت‌سازی» و «جامعه‌سازی» در نهایت به مرحله «تمدن‌سازی» می‌رسد که هدف نهایی انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل است. (اکرمی‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۳)

این بیانیه از نظر محتوایی دارای چند مشخصه بارز است از جمله اینکه وضعیت گذشته و فراز و فرودهای طی شده را به خوبی تبیین کرده و راه برون‌رفت از مشکلات آینده را شناخت گذشته انقلاب دانسته و می‌فرماید: «با برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

دیگر آنکه در این بیانیه بر دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی تأکید بسیاری شده است که این دستاوردها هم شامل مسائل غیرمادی (مشارکت مردمی در مسائل سیاسی، گسترش فضای معنویت و اخلاق و...) می‌باشد و هم دستاوردهای مادی (بومی‌شدن توانمندی‌ها، ثبات و امنیت و آرامش و...) اما مهم‌ترین بخش از محتوای این بیانیه مربوط به ترسیم آینده انقلاب در قالب یک «رویکرد راهبردی» است که در یک نگاه بلند و دور، راهبردهایی را برای حرکت انقلاب در

مسیر پیشرفت و تعالی ارائه کرده است که بارزترین نشان آن را می‌توان موضوع «امیدبخشی به نسل حاضر و نسل‌های آینده» دانست که با نگاهی خوش‌بینانه و نشاط‌آفرین با تکیه بر «تیروی جوانان» می‌توان به هدف غایی انقلاب که ایجاد تمدن اسلامی است دست یازید. همان‌گونه که ایشان در متن بیانیه می‌فرمایند: «اما پیش از همه چیز نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی هیچ گامی نمی‌توان برداشت». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) ایشان همچنین نبض حرکت و موتور محرکه و پیشران را در این مسیر جوانان دانسته و از این نیرو به عنوان «موتور محرکه و پیشران انقلاب» یاد می‌کنند. در این متن راهبردی، معظم‌له چهل‌بار از کلید واژه «جوان» استفاده کرده‌اند که حاکی از اهمیت جوانان در نگاه ایشان است.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، «افزایش بینش سیاسی مردم» است که تجلی آن را می‌توان در «مردمی‌شدن سیاست» و «چگونگی نگرش سیاسی مردم» دانست که این امر را برون‌داد و نتیجه «افزایش اعتماد سیاسی» و «مشروعیت سیاسی نظام» می‌دانند که اینها خود ضریب امنیت و پایداری نظام اسلامی را ارتقاء می‌بخشند.

مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، یکی از چالش‌های مهم پیش روی کشور را فساد در حوزه‌های گوناگون همچون اقتصادی، اخلاقی و سیاسی دانسته و از آن با عنوان «توده چرکین» کشورها و نظام‌ها یاد می‌کنند. نتیجه آنکه این توده چرکین دارای بازخوردهایی مانند بی‌اعتمادی مردم به نظام، افزایش شکاف طبقاتی، ناتوانی نظام سیاسی در اجرای عدالت و ایجاد ناامیدی در میان مردم و حتی ایجاد شورش‌های اجتماعی و ایجاد چالش‌های امنیتی می‌باشد.

ب) تبیین شاخص‌های حکمرانی خوب بر مبنای نظریات مقام معظم رهبری

۱) حق اظهار نظر و پاسخگویی: این مؤلفه شامل دو قسم است؛ در قسمت نخست منظور این شاخص آن است که آیا در جامعه حق اظهار نظر، یعنی «آزادی بیان» برای شهروندان و کلیه اتباع کشور وجود دارد؟ آیا شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی به صورت آزادانه مشارکت دارند؟ در این خصوص، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب عنوان می‌دارند که: «آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و ارزشی اسلامی و عطیه‌ای الهی به انسانها است و حکومت‌ها موظف به تأمین آن هستند و...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) اما قسمت دوم این شاخص بدان معناست که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر آنها تأثیر می‌گذارد مورد سؤال و بازخواست قرار دهند. افراد قادر باشند اهداف

خود را انتخاب و پیگیری نمایند و آزادانه نظرات خود را بیان کنند. آزادی بیان سبب مشارکت افراد می‌شود و این مشارکت عاملی برای رهبری و مشروعیت بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها و رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی است. (Wallace, 2009. 255) مقام معظم رهبری در این رابطه تأکیدات فراوانی داشته و مسئولان را به پاسخگویی در برابر مردم امر نموده و می‌فرماید: «از بالاترین مسئول کشور، از رهبری، ریاست جمهوری، مسئولین گوناگون دیگر، با انتخاب ملت مسئولیت پیدا می‌کنند و سر کار می‌آیند و به ملت باید جواب بدهند؛ باید به ملت جواب بدهند. این یک قلم از مهم‌ترین حوادثی بود، تغییراتی بود، تحولاتی بود که انقلاب ایجاد کرد. (۱۳۹۶/۰۳/۲۲) همه باید به مسئولیت خودشان توجه داشته باشند و خود را در مقابل این مسئولیت‌ها پاسخگو بدانند؛ این وظیفه همه ماست. (۱۳۸۳/۰۸/۰۶) نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)

۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت: این شاخص یعنی محیط پایدار و امن. به عبارت دیگر، «ثبات سیاسی»، از جمله ملزومات رشد باثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق پیدا می‌کند که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد، تضادهای قومی و فرهنگی کاهش یابد و اعتراض‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی به حداقل برسد. (حسینی‌تالش، ۱۳۹۳: ۱۷) مقام معظم رهبری، ریشه بسیاری از معضلات کشور را متوجه دسایس متعدد دشمنان کرده و می‌فرماید: «دشمنان از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌ترسند لذا سعی می‌کنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پایداری به اصول و مبانی انقلاب است، حرکت پیشرفت رو به توسعه علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ اینها عناصر قدرت ما است؛ با اینها مخالفند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). ایشان همچنین ثبات سیاسی کشور را زیربنای امور دانسته و می‌فرماید: «زیربناهایی که ما در آنها برجسته و ممتاز هستیم، در درجه اول عبارت است از ثبات سیاسی کشور». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، ثبات و امنیت کشور را دستاورد نظام اسلامی دانسته و می‌فرماید: «ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی

دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) ایشان همچنین به مسئولیت حکمرانان در قبال مردم برای ایجاد ثبات و جلوگیری از بروز بی‌عدالتی و مشکلات متعاقب آن پرداخته و می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق هم هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواران و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به‌شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبل نیست و...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

۳) کارآیی و اثربخشی دولت: این مؤلفه از حکمرانی خوب بدین مفهوم است که فرآیندها و نهادها منجر به نتایجی می‌شوند که نیازهای جامعه را تأمین می‌کنند و در عین حال بهترین بهره‌برداری از منابع در اختیار را امکان‌پذیر می‌نمایند. کارآیی دولت مستلزم وجود دستگاه‌های اداری کارآمد و بهینه در کشور است. (سامتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۳) آیت‌الله خامنه‌ای با عنوان اینکه مشروعیت یک نظام سیاسی در گرو کارآمدی آن است، می‌فرماید: «مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متّخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت و... تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)

۴) حاکمیت قانون: قانون‌مداری از ارکان و مؤلفه‌های گفتمانی مقام معظم رهبری است که بر مبنای جهان‌بینی ایشان همواره مورد تأکید قرار دارد. ایشان در بیانات خود قانون‌مداری و قانون‌گرایی را اینگونه توصیه می‌کنند: «قانون‌گرایی خیلی مهم است، قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد ... این قانون‌گرایی و قانون‌مداری اگر چنانچه جا افتاد، مسلماً خیلی از آسیب‌ها از بین خواهد رفت.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)

۵) کیفیت قوانین و مقررات: منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقرراتی است که دارای شفافیت، تفسیر یکسان و قابلیت پیش‌بینی باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص بارها تأکید داشته و می‌فرمایند: «قانون را دوجور می‌شود گذارد و وضع کرد: خوب و بد؛ می‌شود خوب قانونگذاری کرد، می‌شود بد قانونگذاری کرد. صرفاً هم بد و خوب بودن به این نیست که قانون خوب باشد یا قانون بد باشد؛ نه، گاهی یک قانون خوب را شما وضع می‌کنید اما این وضع، بد است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در کیفیت وضع این قانون رعایت دقت نشده، انسجام با بقیه قوانین مراعات نشده، وجود وضوح در قانون رعایت نشده. اولاً قانون بایستی باکیفیت باشد؛ افزایش قانون، زیاد بودن قانون خیلی چنگی به دل نمی‌زند؛ باید قانون باکیفیت باشد». ایشان همچنین در ادامه شرایطی را برای قانون خوب مشخص کرده و می‌فرمایند: «اولاً قانون متقن باشد، قانون اتقان داشته باشد؛ یعنی دلایل وضع این قانون جوری باشد که هر کس نگاه می‌کند، ببیند بله، این قانون، قانون متقنی است. همه‌جانبه‌نگر باشد؛ نگاه جزئی و بی‌توجه به جوانب گوناگون، قانون را از حیث انتفاع می‌اندازد. واضح باشد؛ جوری نباشد که پی‌درپی اصلاحات مکرر لازم داشته باشد، مرتب استفساریه بیاید مجلس؛ وقتی قانون واضح نبود، وقتی جامع نبود، مرتباً استفساریه می‌آید که آیا مرادتان این بوده یا آن بوده؛ گاهی نتیجه استفساریه‌ای که مجلس صادر می‌کند، نقطه مقابل مضمون خود قانون است؛ خب این قانون، قانون خوبی نیست؛ یعنی مضمون قانون ممکن است خوب باشد اما قانون‌گذاری خوبی نیست، قانون‌گذاری بدی است. بنابراین قانون باید کیفیت داشته باشد». ایشان همچنین در رابطه با تعارض قوانین و نیز جلوگیری از وضع قوانین زمینه‌ساز فساد می‌فرمایند: «تعارض قوانین؛ یکی از چیزهایی که ما دچارش هستیم، مسئله تراکم قوانین است؛ این قدر که در مسائل مختلف قانون داریم! ... تراکم قانون و افزایش کمیت قانون، حُسن نیست؛ عمده این است که قانون کیفیت داشته باشد؛ جامع باشد. از قوانینی که زمینه‌ساز فساد است جلوگیری کنید، مراقب باشید قانونی که گذاشته می‌شود، ضد فساد باشد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵)

۶) کنترل فساد: مقام معظم رهبری فساد و لزوم مبارزه با آن را محور اصلی عدالت دانسته و عنوان می‌نمایند: «عدالت و مبارزه با فساد دو امر لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست... همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است و... . دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند و... (بیانیه گام دوم انقلاب)

پیشینه پژوهش

پیش از پرداختن به موضوع پژوهش لازم است با مروری بر آثار تألیف شده در زمینه اثر حاضر، وجوه تمایز و تفاوت مقاله حاضر را با این مکتوبات مشخص نماییم؛ لذا در ابتدای امر، به برخی از مهمترین آثار نزدیک به این موضوع اشاره می‌گردد هر چند در خصوص مطالعات نظری رابطه توسعه سیاسی و حکمرانی خوب، در داخل کشور قدمت و سابقه چندانی وجود ندارد و عمده آثار موجود به بررسی نقش و رابطه حکمرانی خوب با مباحث دیگری چون فساد، توسعه، مدیریت، امنیت ملی، بحران‌ها، سرمایه اجتماعی و..... پرداخته‌اند؛ به‌عنوان نمونه در سطح داخلی می‌توان به تألیفات زیر اشاره نمود:

صفریان و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه» به دنبال بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه همه‌جانبه از طریق افزایش سرمایه اجتماعی بوده‌اند و چنین نتیجه می‌گیرند که «امروزه الگوی خوب با به رسمیت شناختن نیروهای گوناگون اجتماعی در عرصه‌های مختلف به هم‌زمانی نقش دولت و جامعه در مسیر توسعه و اداره عمومی و به نوعی تمرکززدایی در بستر اجتماعی و سیاسی توسعه تأکید دارند...» (صفریان و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۵) قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «ارزیابی الگوی حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی» به تبیین رابطه تعاملی سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه در قالب الگوی حکمرانی خوب پرداخته و چنین نتیجه می‌گیرند که این رابطه تعاملی در بهبود وضعیت توسعه انسانی اثرگذاری فراوانی دارند. احمد میدری و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) هم در کتابی با عنوان «حکمرانی خوب بنیان توسعه» به رابطه حکمرانی با فساد، مردم‌سالاری، رشد و غیره اشاره نموده‌اند.

بررسی اسناد خارجی و لاتین نیز همان نتایج قبلی را به‌دست می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه دنیس آسبورن (۱۹۹۳) مطالعه‌ای در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۲ انجام داده و به این نتیجه رسیده است که فساد به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، نابودکننده آن بوده و هزینه‌های زیادی از جمله فقدان امنیت، اعتماد، اعتبار و ثبات سیاسی را به جامعه تحمیل می‌کند؛ از نظر او حکمرانی خوب، روش مناسبی برای کاهش فساد، افزایش اعتماد و بهبود کیفیت خدمات است. (Osborne, 1993.116-117) همانگونه که مشاهده شد، پیشینه‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، همان قاعده کمبود منابع صادق بوده و حتی در خصوص ارتباط این دو متغیر (حکمرانی خوب و توسعه سیاسی) با بیانیه گام دوم نیز اثر و یا تألیفی یافت نشد. از

این رو، نوشتار حاضر به علت اینکه ارتباط دو متغیر توسعه سیاسی و حکمرانی خوب را مورد مذاقه قرار می‌دهد، نسبتاً اثری بدیع و جدید است.

چارچوب نظری

مبنای نظری نوشتار حاضر بر دو پایه استوار است؛ لذا به منظور تبیین موضوع تلاش می‌گردد از دو مبحث نظری توسعه سیاسی و مؤلفه‌های آن و نیز نظریه و الگوی حکمرانی خوب و شاخص‌های مربوطه بهره‌برداری گردد:

برای مفهوم‌سازی توسعه سیاسی و رابطه آن با حکمرانی خوب، از الگوی نظری «لوسین پای» استفاده به عمل می‌آید. در این خصوص چهار مؤلفه بنیادین از توسعه سیاسی یعنی: مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، انسجام سیاسی و اعتماد سیاسی را به عنوان سنجه‌های تأثیرگذار متغیر مستقل (توسعه سیاسی) بر متغیر وابسته (حکمرانی خوب) مورد بهره‌برداری قرار می‌دهیم. در ادامه برای مفهوم‌سازی حکمرانی خوب از تئوری‌های بانک جهانی و شاخصه‌های شش‌گانه آن استفاده شده است که عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآمدی و اثربخشی حکومت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد. استدلال نظری در خصوص این رابطه چنین است که هر چه توسعه سیاسی و مؤلفه‌های چهارگانه آن در سطح جامعه پذیرش و کاربرد بیشتری داشته باشد و از سوی سیستم سیاسی نیز حمایت گردند، به همان میزان احتمال تحقق شرایط حکمرانی خوب در جامعه و نیز در ارتباط تعاملی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی افزایش یافته و نفع همگانی گسترش بیشتری می‌یابد.

فرضیات پژوهش

در این پژوهش برای تأیید دقیق‌تر فرضیه اصلی، فرضیه‌های فرعی ذیل را با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته و کسب نظرات کارشناسان و اساتید در بوته آزمایش قرار داده‌ایم:

- ۱- به نظر می‌رسد مشارکت سیاسی تأثیر مستقیم و معناداری بر حکمرانی خوب دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد گسترش رقابت سیاسی در جامعه رابطه معناداری با حکمرانی خوب دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد وجود انسجام سیاسی گسترده تأثیر مستقیمی بر میزان حکمرانی خوب دارد.
- ۴- چنین می‌نماید که هرچه اعتماد سیاسی در جامعه افزایش یابد، شرایط برای تحقق حکمرانی خوب نیز افزایش می‌یابد.

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده که به «روش کیفی» و با ابزار پیمایشی انجام می‌پذیرد. بدین معنا که ابتدا با مطالعه آثار و تألیفات پیشین، سنجه‌های مدنظر را استخراج کرده و سپس در قالب فرم مصاحبه نظرات هفت تن از اساتید دانشگاه به‌دست آمد. بر این اساس، جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی در حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و امنیت ملی است که با رسیدن به اشباع نظری، نتایج مورد نظر به دست آمده و کفایت نموده است. اعتبار پرسشنامه، اعتبار «صوری» است که با استفاده از نظرات و بهره‌گیری از مشورت اساتید و کارشناسان خبره تأمین شده است. پس از طی این مرحله، اسناد مورد نیاز را به روش کتابخانه‌ای از کتب، مقالات دسته‌اول و معتبر گردآوری می‌کنیم. بنابراین، بخش اعظمی از اطلاعات مورد استفاده در پژوهش حاضر، از طریق بررسی و پژوهش‌های کتابخانه‌ای کسب گردیده که فهرست جامع و کامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و مجله‌های مورداستفاده در این پژوهش، در کتاب‌نامه، آورده شده و یافته‌های پیمایش نیز ناشی از نظرات این کارشناسان است.

در این پژوهش میان متغیر مستقل (توسعه سیاسی) و متغیر وابسته (حکمرانی خوب) رابطه همبستگی برقرار می‌باشد. بدین معنا که هر اندازه شاخص‌های توسعه سیاسی در کشور افزایش می‌یابند، به همان میزان شرایط برای تحقق الگوی حکمرانی خوب نیز افزایش خواهد یافت. برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه و محاسبه انسجام درونی آن از ضریب «آلفای کرونباخ» استفاده می‌گردد. چرا که می‌خواهیم ببینیم آیا همه گویه‌ها موضوع مورد پژوهش را پاسخ می‌دهند یا خیر؟

جدول (۱): پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	٪ ۷۵
رقابت سیاسی	٪ ۷۷
انسجام سیاسی	٪ ۷۳
اعتماد سیاسی	٪ ۸۸
حکمرانی خوب (متغیر وابسته)	٪ ۹۱

با توجه به اینکه ضریب آلفای شاخص متغیر وابسته ۸۹٪ و متغیر مستقل ۹۰٪ به‌دست آمد، لذا گویه‌های طراحی شده دارای قابلیت اعتماد و پایایی لازم است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

الگوی حکمرانی خوب و توسعه سیاسی

صندوق توسعه ملل متحد، حکمرانی را «اعمال اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری به‌منظور اداره امور کشور در تمام سطوح دانسته» است که «این اعمال حاکمیت شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که توسط آن شهروندان و گروه‌ها منافع خود را تأمین می‌کنند، حقوق قانونی خود را مطالبه کرده و به تعهدات خود عمل می‌کنند و تفاوت‌های خود را بیان می‌دارند. (سازمان ملل متحد، ۱۳۹۷: ۹) بانک جهانی نیز «حکمرانی را روشی برای اعمال قدرت به منظور مدیریت اقتصاد و منابع اجتماعی کشور جهت نیل به توسعه» دانسته است. بر اساس این تعریف، مفهوم حکمرانی ارتباط مستقیمی با مدیریت فرآیندهای توسعه در دو بخش عمومی و خصوصی دارد.

آنچه که در اصطلاح حکمرانی خوب حائز اهمیت است، ارتباط سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه است که اگر چنین وضعیتی رخ دهد، حکمرانی خوب برای توسعه شکل می‌گیرد. با این شرایط دولت چارچوب حقوقی و محدوده عمل سیاسی را تعیین کرده، بخش خصوصی تولید ثروت کرده و ایجاد اشتغال می‌نماید و جامعه از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارتباط متقابل جامعه و سیاست را تسهیل می‌کند. از آنجا که هر یک از این سه حوزه ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، حکمرانی خوب را به ویژه در ارتباط با الزام توسعه پایدار به منزله وجود یک ارتباط سازنده میان این سه حوزه می‌دانند. (قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۷۶)

ارتباط سه حوزه مذکور مبتنی بر الگوی تعاملی است که در آن هر یک از این سه بخش با وظایف و کارکردهای خود، در پیشبرد سایر بخش‌ها نقش ایفا می‌کنند. بازیگران هر حوزه در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند. بازیگران حوزه دولت بازیگران محلی و ملی را در سطح قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضاییه) و مؤسسات عمومی (مانند شهرداری‌ها و قوای نظامی) تشکیل می‌دهند. بازیگران حوزه جامعه مدنی، انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای دانشگاهی و پژوهشی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی است و بازیگران بخش خصوصی شامل شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ، اتحادیه‌ها و انجمن‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، اتاق بازرگانی و شرکت‌های چندملیتی است. (قاضی- طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸)

براین اساس، حکمرانی خوب با قابلیت‌های نهادی و ماهوی دولت و مشارکت شبکه‌ای و افقی

جامعه و همکاری و اعتماد بین آنها در بخش‌های مختلف توسعه تأثیرگذار است. ولیکن نمود این تأثیرگذاری را در توسعه سیاسی می‌توان اینگونه تبیین کرد:

حکمرانی خوب با سوق دادن زندگی اجتماعی در قالب عضویت در شبکه و گروه‌های اجتماعی متنوع و فعالیت رسانه‌های گوناگون، شرایط را برای شکل‌گیری جنبه‌های ذهنی و عینی دموکراسی سیاسی فراهم می‌کند و هم برای ساختار و هم محیط و رفتار سیاسی تأثیرگذار است. (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۴۸) بدین معنا که، ساختار شبکه‌ای و افقی در حکمرانی خوب تساهل و تعادل سیاسی را برقرار می‌کند. همه اجزاء در شبکه با هم ارتباطی هم‌عرض و هم‌سطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست. زندگی در شبکه نفی سلطه است و بازیگرانی که در حلقه شبکه با هم زندگی می‌کنند، تعامل و تعادل را پیشه می‌کنند. مفاهیم با یکدیگر را می‌آموزند و یاد می‌گیرند که چگونه با تفاوت‌ها و تنوع‌های دیگران کنار بیایند. آنها در اندیشه اینکه همه را مانند خود کنند نیستند و با ناهم‌اندی‌ها و ناهمسانی‌ها خو می‌گیرند. (الوانی، ۱۳۸۸: ۱) در بستر احزاب، اتحادیه‌ها و سازمان‌های رسمی، صنفی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی متخصصان و اندیشمندان و در واقع توسعه‌سازان احساس امنیت کرده و می‌توانند بروز خلاقیت کنند. (رفیعی، ۱۳۸۰: ۶۲)

مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، اعتماد سیاسی و انسجام سیاسی را مؤلفه‌های بنیادین توسعه سیاسی در مسیر پیشرفت یک نظام دانسته‌اند. چنانچه امر حکمرانی بتواند تعاملی کارکردی و سازنده میان این مؤلفه‌ها و جامعه سیاسی برقرار کند، مطلوب‌ترین ستانده‌ها عاید می‌گردد که برون‌داد آن رضایت نسبی بخش‌های مختلف جامعه از یک‌سو و اضلاع حکمرانی (جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت) خواهد بود. چرا که از خصوصیات ذاتی نظام سیاسی در الگوی حکمرانی خوب، حاکمیت قانون و پاسخگویی است که با ایجاد تفکیک قوا و توازن بین ارکان آن تحقق عملی پیدا می‌کند. رفتار برابر و بدون تبعیض با همه مردم در مقابل قانون و وجود نهادهای قضایی مؤثر، کارآمد و عادلانه شرط ذاتی و جدایی‌ناپذیر حمایت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده خودسرانه مقامات حکومتی از اختیارات و صلاحیت‌های خود و اعمال غیرقانونی سازمان‌ها و افراد می‌باشد و باعث می‌شود حکومت خود را نسبت به آنان مسئول و پاسخگو بداند. با این شرایط سلامت سیاسی تضمین شده و اعتماد بین مردم و دولت برقرار می‌گردد و نیز احتمال بحران‌های گوناگون در جامعه مرتفع می‌گردد. (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۰)

بنابراین نظام سیاسی مبتنی بر الگوی حکمرانی خوب ثبات و تعادل سیاسی را فراهم آورده، مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی را باعث شده، برابری، تفکیک ساختاری و حاکمیت قانون و پاسخگویی را هم در سطح سازمانی و هم حکومتی موجب می‌گردد.

یافته‌های کیفی پژوهش

گام بعدی در این پژوهش به بررسی یافته‌های ناشی از مصاحبه با اساتید اختصاص دارد. در این تحقیق برای به دست آوردن ارتباط بین متغیرهای مستقل (توسعه سیاسی) و وابسته (حکمرانی خوب) از آزمون‌های «ضریب همبستگی پیرسون»^۱ و «رگرسیون چند متغیره»^۲ استفاده شده است. فرضیه اصلی: توسعه سیاسی تأثیر مستقیمی و معناداری بر حکمرانی خوب دارد.

جدول (۲): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر توسعه سیاسی و حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
توسعه سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر توسعه سیاسی و حکمرانی خوب وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۴۴۲ بین دو متغیر یاد شده رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، «هر اندازه شاخص‌های توسعه سیاسی در کشور افزایش یابند به همان میزان اهداف حکمرانی خوب در جامعه تحقق می‌یابند».

فرضیه (۱) مشارکت سیاسی تأثیر مستقیم و معناداری بر حکمرانی خوب دارد.

جدول (۳): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت سیاسی و حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مشارکت سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۱۰۸	۰/۰۳

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۳ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۰۸ بین دو متغیر رابطه معناداری برقرار است. بدین معنا که با افزایش میزان مشارکت سیاسی افراد جامعه، شاهد ارتقاء میزان حکمرانی خوب در آن جامعه هستیم.

فرضیه (۲) گسترش رقابت سیاسی در جامعه رابطه معناداری با حکمرانی خوب دارد.

جدول (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر رقابت سیاسی و حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
رقابت سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

^۱-Pearson Correlation Coefficient

^۲-Multivariate Regression

نتایج این محاسبه نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ بوده، بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۱۸۵٪ بین دو متغیر رابطه معناداری برقرار است. یعنی هر اندازه رقابت سیاسی آزادانه‌تر وجود داشته باشد، به همان میزان شاهد تحقق حکمرانی خوب در جامعه هستیم.

فرضیه ۳) وجود انسجام سیاسی گسترده تأثیر مستقیمی بر میزان حکمرانی خوب دارد.

جدول (۵): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اعتماد سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۲۳۳٪ بین دو متغیر یاد شده رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش اعتماد سیاسی در جامعه، شرایط برای تحقق حکمرانی خوب نیز بیشتر مهیا می‌گردد.

فرضیه ۴) هرچه اعتماد سیاسی در جامعه افزایش یابد، شرایط برای تحقق حکمرانی خوب نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۶): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر انسجام سیاسی و حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
انسجام سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰

جدول فوق به صراحت نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر درصد رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر میزان انسجام اجتماعی و حکمرانی خوب وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی (۰/۳۴۱) می‌توان گفت دو متغیر رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. بدین معنا که یکی از شرایط اساسی برای تحقق حکمرانی خوب، میزان بالایی از انسجام سیاسی است.

راهبردهای بیانیه گام دوم برای تسهیل شرایط تحقق حکمرانی خوب در ایران

مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در شروع چله دوم انقلاب اسلامی، با نگاهی «آینده‌نگرانه و راهبردی» چهل سال نخست این انقلاب را «مرحله ایجاد انقلاب و نظام‌سازی» دانسته و دوران کنونی را مرحله «دولت‌سازی» عنوان داشته

که این مرحله خود مقدمه‌ای است بر مرحله «جامعه‌سازی». پیش‌شرط تحقق مرحله جامعه‌سازی نیز گذار از شرایطی است که در آن جامعه بتواند بالاترین تعامل ساختاری را میان سه رکن دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی ایجاد نماید. بدون شک در این فرآیند، الزامات توسعه سیاسی همچون مشارکت آحاد جامعه در مسائل سیاسی، حضور و یگانگی همگانی در عرصه‌های سیاسی، وجود رقابت سازنده و اثرگذار در مسائل سیاسی، و اعتماد سیاسی به عنوان سنگ زیربنای تعاملات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. این الزامات بایستی در پیوند با شرایط حکمرانی تحقق یابند؛ چنانچه یک سیستم سیاسی نتواند شاخصه‌های حکمرانی خوب را در سطح کلان و زیربنایی محقق سازد به قطع یقین در فرآیند گذار متوقف خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران را یکی از نتایج بزرگ انقلاب اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: «(انقلاب) اولاً به ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود، ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) با غور و تأمل در این بند راهبردی از بیانیه، می‌توان ارتباط آن را با مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب، به آشکارا مشاهده کرد؛ از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به «حفظ ثبات» و «کارآیی دولت» اشاره داشت که نمود این امر در چهل سال گذشته انقلاب و در عبور نظام از عوامل بر هم زننده ثبات و امنیت کشور (مواردی چون کودتا، جنگ تحمیلی، فتنه‌ها، تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و...) می‌توان به وضوح دید.

از سوی دیگر، هدف از توسعه سیاسی و ایجاد بسترهای مناسب برای تحقق حکمرانی خوب، پیشگیری از وقوع بحران‌های سیاسی همچون مشروعیت، مشارکت، نفوذ و... است. نتیجه بروز بحران در هر کشوری بر هم خوردن ثبات سیاسی و نهایتاً از بین رفتن امنیت در آن کشور است و این در حالی است که به راحتی می‌توان ادعا داشت که مهم‌ترین دستاورد چهل ساله انقلاب اسلامی، حفظ امنیت و ثبات کشور در عبور از بحران‌های بزرگی مانند هشت سال جنگ تحمیلی بوده است. تحقق چنین دستاورد شگرفی بر اساس دو خصیصه «ملت‌پایه شدن» و «ارتقای سطح امنیت» می‌باشد. ملت‌پایه بودن امنیت بر «حمایت و مشارکت مردم» برای ارتقاء سطح امنیت ملی در جامعه اشاره دارد. اختصاص هفت اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اهمیت نقش و مشارکت مردم در حفظ و پاسداشت تمامیت ارضی از برجستگی‌ها و ویژگی‌های بارز امنیت ملت پایه در جمهوری اسلامی ایران است. (بهمنی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

از دیگر مؤلفه‌های توسعه سیاسی که در تحقق حکمرانی خوب بسیار مؤثر است، می‌توان به توسعه مشارکت سیاسی و توسعه رقابت سیاسی اشاره نمود که این مهم نیز از دید مقام معظم رهبری به دور نمانده و در قالب بیانیه گام دوم به کرات مورد تأکید قرار گرفته است. در این بیانیه و در ذیل سومین شاخصه از برکات انقلاب با عنوان «به اوج رسانیدن مشارکت مردمی» آمده است: «(انقلاب اسلامی) مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی، مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج خود رسانید». و این در حالی است که نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی خود با تکیه بر شاخصه‌های نظام-سازی مردم‌سالار، از جمله همه‌پرسی شکل گرفت و پس از آن نیز با برگزاری بیش از چهل انتخابات متعدد و روی کار آمدن دولت‌ها با گرایش‌ها و سلايق گوناگون نشان داد ملاک حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، «رأی مردم» است.

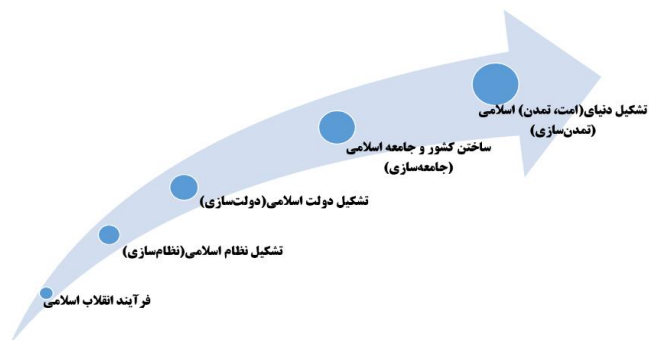
شایان ذکر است که هرچند حضور گروه‌های گوناگون از گستردگی ایده‌ها و حق انتخاب‌ها حکایت داشته و تجلی‌گر توسعه سیاسی در کشور است اما این رکن از توسعه سیاسی (مشارکت) در کنار اینکه فرصت‌هایی را برای کشور ایجاد می‌کند، در مواقعی نیز می‌تواند مؤلّد تهدیداتی به مانند اتفاقات سال ۸۸ باشد. از نظر «برینگتون مور» جامعه‌شناس مشهور «توسعه، یک روند هموار و ساده نیست؛ بلکه سرشار از تضادها و چالش‌هاست». بنابراین در نظر گرفتن تهدیدها خللی بر اصل توسعه سیاسی وارد نمی‌کند؛ زیرا توسعه مستلزم حرکت همیشگی و بدون تهدید و چالش نیست، بلکه مهم ثبات و حفظ ساختار حاکم بر نظام است. این فرآیند در نظام‌های جمهوری از طریق انتخابات آزاد شورایی و مشارکت سیاسی متجلی می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز نظرات مردم از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نظام سیاسی در جهت تحقق خواسته مردم حرکت می‌کند. بنابراین آنچه جمهوریت و اسلامیت را به یکدیگر نزدیک می‌کند، انتخابات آزاد رهبری، ریاست‌جمهوری، نمایندگان مجلس و انتخابات غیرمستقیم رهبری نظام است. (رحمتی، ۱۳۹۸: ۱۰۴)

بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب ارتباط وثیقی با الگوی حکمرانی خوب نیز دارد. «کنترل فساد» از مؤلفه‌های بنیادین حکمرانی خوب است و از آنجایی که یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی کشور، فساد در حوزه‌های گوناگون است، رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی را مطرح کرده‌اند. معظم‌له در این زمینه می‌فرمایند: «فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها(است) و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند

مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست... و همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

در نهایت اینکه، تحقق حکمرانی خوب از مسیر توسعه سیاسی فراهم می‌گردد، ولیکن دستیابی به توسعه سیاسی خود نیازمند به مقدماتی است که از جمله این مقدمات و حتی بالاترین و مهم‌ترین آنها، الزام به وجود «خطمشی» و «نقشه‌راه» می‌باشد. در این خصوص بیانیه گام دوم با محتوای راهبردی هفت‌گانه خود، به‌منزله نقشه، مسیر و چراغ راه انقلاب مطرح می‌گردد که لازم است اجزاء آن مورد توجه تمام آحاد جامعه قرار گیرد. این نقشه فراتر از چراغ است، زیرا چراغ مسیر را برای گذار روشن می‌سازد تا بتوانیم بر صراط مستقیم و درست گام برداریم؛ ولیکن نقشه هدف و آرمان‌ها را معین می‌سازد تا بدانیم به کدامین سو در حرکتیم؛ و این نکته ظریف همان است که خداوند متعال در قرآن کریم و سوره حمد بدان اشاره داشته و انسان را تشویق بر ماندن در «صراط» نموده و از گم شدن در مسیر «الضالین» بر حذر کرده است. وانگهی راه و هدف لازم و ملزوم یکدیگرند بدان معنا که اگر راه درست باشد و هدف معیوب، قطعاً بر خطا خواهیم بود و چنانچه هدف درست باشد ولیکن مسیر را اشتباه برویم باز بر راه گمراهان قدم برداشته‌ایم. آن‌گونه که در متن بیانیه گام دوم آمده است، این انقلاب با گذشت قرین به چهل و دو سال از عمر خود، تاکنون از دو مرحله «انقلاب اسلامی» و «تشکیل نظام اسلامی» عبور کرده و هم‌اکنون در حال گذار از مرحله سوم که همان تحقق اهداف انقلاب و «تشکیل دولت اسلامی» است، می‌باشد. بنابر نظر معظم‌له، مراحل چهارم و پنجم این انقلاب «تشکیل کشور اسلامی» و «تشکیل دنیای اسلام» است و لذا برای رسیدن به آنها، وظایف و انتظاراتی برای همگان از مسئولین، عامه مردم، تحصیل‌کردگان و اساتید و... می‌رود که می‌بایست در قبال آن جدیت و اهتمام داشته باشند. مراحل انقلاب در کلام مقام معظم رهبری به شکل الگوی مفهومی زیر می‌باشد:

الگوی (۳): الگوی مفهومی مراحل انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری



آن‌گونه که پیداست، بیشترین حجم سخنان معظم‌له در بیانیه گام دوم به شرایط کنونی که همان دوران‌گذار از مرحله سوم (تشکیل دولت اسلامی) است، اختصاص داشته و می‌فرمایند: «الان هم در مرحله اسلامی کردن دولت (تشکیل دولت اسلامی) هستیم و باید تمرکز کار و فعالیت‌ها، برای تحقق شایسته این مرحله باشد... و اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد».

بیانیه گام دوم به منزله نقشه‌ای است برای رسیدن به هدف که همان استقرار حکومت الهی بر روی زمین، و مسیر نیز توسعه سیاسی است با مبانی والا و متعالی اسلامی. در این مسیر بایسته‌هایی نیاز است که رعایت آنها تضمین‌کننده بقای ولایت الهی بر روی زمین و تکریم مقام والای انسانیت است. هدف نیز نه کسب قدرت و شوکت دنیوی، بلکه استقرار حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) بر روی زمین خواهد بود. ایشان برای تشکیل دولت اسلامی ویژگی‌هایی را بیان می‌دارند که همگی در تناظری آشکار و ارتباطی مستقیم با مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی (مشارکت، رقابت، انسجام و...) و حکمرانی خوب (ثبات سیاسی، کارآیی و اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کنترل و مبارزه با فساد و...) هستند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- دولت اسلامی‌ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیمی آنها داشت را تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.
- این اصالت‌ها و ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیرالمؤمنین (ع) بیان می‌کنند؛ ما آنها را می‌خواهیم؛ عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییرپذیر نیست.
- باید به سمت زندگی علوی (ع) برویم... باید روح زندگی علوی (ع) یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست.
- در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و

پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارآیی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد.

- قوای مقننه و قضاییه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد علاوه بر معرفی الگوی حکمرانی خوب که مبتنی بر رابطه تعاملی سه ضلع جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت و بر پایه شاخص‌های معرفی شده بانک جهانی است، به بررسی نحوه تأثیرپذیری این الگو از نظریه توسعه سیاسی پرداخته و در ادامه راهبردهای بیانیه گام دوم انقلاب را به منظور تسهیل شرایط تحقق حکمرانی خوب در ایران را مورد مذاقه قرار دهیم. همانگونه که چارچوب‌های نظری، داده‌های ناشی از پرسشنامه و اسناد مطالعاتی نشان داد، مؤلفه‌های توسعه سیاسی (مشارکت، رقابت، انسجام و اعتماد) رابطه مستقیم و معناداری با الگوی حکمرانی خوب دارند. به عبارت بهتر، پیش‌شرط تحقق حکمرانی خوب در کشور تحقق الزامات و شرایط توسعه سیاسی است. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان داد که بیانات مقام معظم رهبری در قالب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی معطوف به توسعه سیاسی و حکمرانی خوب ولیکن با دیدگاهی مبتنی بر ارزش‌های والای اسلامی می‌باشد.

ناگفته پیداست که ره‌آورد توسعه سیاسی و حکمرانی خوب برای هر کشوری تأمین و تضمین امنیت ملی است؛ چرا که با گسترش مؤلفه‌های توسعه سیاسی به‌ویژه مؤلفه اعتماد سیاسی، که زیربنای هر تعاملی است از یک‌سو بر مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی افزوده شده و از سوی دیگر، سیستم سیاسی را برای ایجاد ارتباط تعاملی میان ارکان سه‌گانه یاری می‌نماید. حکمرانی خوب نیز به همین‌سان تضمین امنیت را از طریق افزایش مقبولیت و مشروعیت به دنبال دارد.

منابع فارسی

کتاب

- اکرمی‌نیا، محمد(۱۳۹۸)، *بیانیه گام دوم در قالب راهبردی*. در درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا
- احمد میدری، جعفر خیرخواهان(۱۳۸۳)، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- بشیریه، حسین(۱۳۸۵)، *آموزش دانش سیاسی*(مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی). تهران، نگاه معاصر
- بهمنی‌قاجار، محمدعلی(۱۳۹۰)، *حقوق آزادی و امنیت شخصی در قانون اساسی و قوانین موضوعه ایران*، تهران، گفتگو
- *درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی* (۱۳۹۸)، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا
- رحمتی، مهدی(۱۳۹۸)، *دستاوردهای انقلاب در گام اول*، در درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا
- رفیعی، محمدحسین(۱۳۸۰)، *توسعه ایران: نقدی بر گذشته، راهی به سوی آینده*، تهران، نشر صمدیه
- علی آقابخشی، مینو افشاری‌راد(۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار، چاپ اول
- عمادی، سیدرضی(۱۳۹۸)، *چالش‌ها و آسیب‌های داخلی فراروی انقلاب اسلامی*، در درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا
- قلی‌پور، رحمت‌اله(۱۳۸۷)، *حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم

مقالات

- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد(۱۳۹۱)، *بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان*، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال ۸، شماره ۱
- امین‌زاده، محسن(۱۳۷۶)، *توسعه سیاسی، اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال یازدهم، شماره

۱۱۷-۱۱۸

- حسینی تالش، سیدعلی (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته؛ بررسی و شاخص-های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی^(ع)، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال سوم، شماره دوم پیاپی ۸

- روح‌الله صفریان، سیدجواد امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶)، الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه، فصلنامه دولت‌پژوهی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲ - زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰

- سیدمهدی الوانی، ابوالقاسم محمدنژاد عالی‌زمینی (۱۳۹۰)، طراحی الگوی بهبود سطح سرمایه اجتماعی شهروندان در عصر جهانی‌شدن، مجله مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، پیاپی ۶، بهار

- مرتضی سامتی و دیگران (۱۳۹۰)، تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی. مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم

- محمود قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۹۱)، ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی، فصلنامه توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان - محمدجواد هراتی، علی آزر می (۱۳۹۶)، تبیین جنبش‌های عربی بر مبنای مدل «حکمرانی خوب»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان

سخنرانی‌ها

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران؛ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
- (۱۳۹۷/۰۷/۱۲)، بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶/۰۳/۲۲)، بیانات در دیدار با مسئولان نظام
- (۱۳۹۵/۰۳/۱۶)، بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۶/۰۶)، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت
- (۱۳۹۱/۰۷/۱۹)، بیانات در اجتماع مردم بجنورد
- (۱۳۸۳/۰۸/۰۶)، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۰۶/۱۳)، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری
-.....(۱۳۸۳/۰۳/۰۶)، پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی

English References

Articles

- Kaufmann, Daniel (2007), **Aggregate and Governance Indicators 1996-2006**, World Bank
- Osborne, Denis (1939), **Good Governance Initiatives in the Global Context**, in: Hong Kong Administration (Journal), Vol. 2
- Weiss, T.G (2000), **Governance. Good governance and Global Governance**, Conceptual and Actual Challenges. Third World Quarterly, 21 (5)

Site

- Graham, John fetal (2003), **principle for good Governance in the 21 Century**, policy Brief, No 15, <http://www. log. Ca>

